



( حصه ۳۲ )

طوریکه دیوک آف آر جیل میگوید « واضح است که اعزام سفیر روس بدر بار امیر شیرعلی همانا يك سیاست دفاعی از طرف روسیه و نتیجه مستقیم و فوری سیاست تهدید آمیز کابینه برطانیه در اروپا بوده است و دولت روس اراده داشته که او نیز در تعقیب همین سیاست، افغانستان را مرکز عملیات برخلاف برطانیه بسازد نه اینکه کدام مقصد قبلی برای هجوم به هند و یا نقض معاهده عدم مداخله در افغانستان داشته باشد .

وضعیت امیر نیز واضح است زیرا اما ( برطانیه ) او را تنها گذاشتیم و نه تنها با او شدت کردیم بلکه بدفولی هم نمودیم و صریحاً به او گفتیم که از طرف ما حمایت را بقبول هیچ يك دشمن داخلی یا خارجی انتظار نداشته باشد ما به او گفتیم که بین قرار داد و تهدید و پسران فرق موجود است و نماینده خود را از نزدش پس خواستیم و تنویف کردیم که سرحدات خویش را بدون رعایت مفاد و تمثیلات او اداره خواهیم کرد ( ۱ ) باوصف این هیچ چیزی که دلالت کند که امیر کوچکترین آمادگی برای دعوت و حتی خوش آمدید گفتن هیئت روسی نشان داده باشد بنظر نمی رسد بلکه برخلاف امیر نسبت به حضور صاحب منصبان روس هم مانند صاحب منصبان انگلیس در مملکت خود حسود و بدبین بوده است بالعقاب بهترین دلایل موجود است که نشان میدهد امیر خیر نزدیک شدن هیئت روس را به پای تخت خود با آرزوگی حقیقی تلقی کرد بلکه يك واقعه نیکار میگوید که امیر به وزارت خود گفت که نماینده موصوف را در آب آمو متوقف سازند چنانچه از این امر امیر به نماینده موصوف اطلاع هم دادند . ولی او قبول نکرد و گفت که جنرال کوفمان این وضعیت را يك توهین به امیراطوری تلقی خواهد کرد ( ۲ ) طوریکه کتاب علل جنگ افغان ( اوراقیکه به پارلمان برطانیه پیش شده ) مینویسد : یکی از نمایندگان روس که نامه نگار یسکی از جراند پترزبورگ بود در رایور خود نوشته بود که امیر امر معطلی نماینده را داده بود اما نماینده قبول نکرد و جواب فرستاد که تا ماموریت خود را انجام ندهد و مکتوب دوستانه زار را به امیر تقدیم نکنند ، توقف نخواهد ورزید ( ۳ )

( ۱ ) دیوک آف آر جیل قضیه افغانستان صفحه ۲۵۹

( ۲ ) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۶۱ .

( ۳ ) علل جنگ افغان صفحه ۳۰۶ ترتیبات پذیرائی مفصل هیئت روس نیز در کتاب

مدکور ملاحظه شده میتواند که نگارنده در شماره ( ۸۶ ) مجله آریانا نیز اقتباس کرده است .

دیوک آف آرجیل در باره قبول این هیئت از طرف امیر شیرعلی خان مینویسد « که شك نیست قبول هیئت مزبور مخالف قرار دادی که امیر شیرعلی خان با برطانیه نموده بود ، بوده است و برطانیه حق آزردهی را داشت اما این هم واضح است که هیئت مزبور يك وفد سیاسی نبوده بلكه يك تدبیر حربی و يك مظاهرة سیاسی بمقابل (برطانیه) امیر را در يك وضعیت خیلی مشکل دچار نمودیم و باید اعتراف کرد که این نتیجه سیاست سابق خود ما بود (۱) »

پس کیف اولین اطلاع قطعی حرکت سفیر روس بطرف افغانستان در ۱۹ جون ۱۸۷۸ ع ( ربيع الثانی ۱۲۹۵ هـ ق ) به وین رسید و او به لندن تلگراف کشید و در ماه جولائی (جمادی الاول) نسبت به ماموریت او بدر بار امیر اطمینان حاصل شد. اما در عین این موقع مسائل بین روس و انگلیس در اروپا از طریق مفاهمه تحت حل آمده در ۳۰ می (اخیر صفر) بین سلسبوری و کونت جوالوف موافقه حاصل گردیده بود لیکن تا ماه جون کسی در هندوستان از این موافقه اطلاع نداشت در اواخر جولائی (جمادی الاول) قرار داد برلین که نسبت به تمام مسائل اروپا بالخاصه قضیه بالقان و عثمانی یعنی جنگ روس و ترکیه فیصله بعمل می آمد بامضاء رسید و به این قسم ماده اصلی تصادم روس و انگلیس از بین رفت . وینرا که از جریانات اروپا کما هو حقه اطلاع نداشت در خلال این موقع به لندن تلگراف کشید که آیا مذاکرات مستقیم بین کابینه لندن و کابینه روس نسبت به اوضاع افغانستان و مسئله اعزام سفیر روس بدر بار کابل که خلاف قرار داد عدم مداخله در افغانستان میباشد جاری خواهد شد یا اینکه به او اختیار داده میشود که مذاکرات را در هند با امیر کابل شروع کند - از لندن جواب رسید که اول تر باید از کوائف حقیقی اطلاع حاصل و اطمینان بدست آورده و بعد در هند اقدامات بعمل بیاید و وینرا بتاريخ ۲ اگست (جمادی الثانی) تلگراف کشید که آمدن سفیر روس حقیقت دارد و از امیر افغانستان قبول نمایندگی انگلیس را مطالبه خواهد نمود - لندن فردای این روز نظریه وینرا را تصویب کرد - وینرا به تاریخ ۱۴ اگست (جمادی الثانی) به امیر مکتوبی فرستاد و اظهار داشت که نماینده برطانیه (سرنوئیل چمبرلین) فوری بدر بار کابل خواهد رسید و نسبت به مسائل فوری و واقعات اخیر کابل و ممالک همسایه افغانستان با امیر مذاکره خواهد نمود (۲)

اما سه روز بعد از رسیدن این مکتوب به امیر شیرعلی خان که توسط نواب غلام حسین خان نماینده سابق برطانیه مقیم کابل ارسال شده بود شهزاده عبدالله خان ولبعهد افغانستان وفات یافت ( ۱۷ اگست - ۲۱ جمادی الثانی ) و از واقعه بتاریخ ۲۶ ماه مذکور به لاردرلین خبر رسید - لاردرلین که برای گرفتن نتیجه فوری خیلی مراقب داشت و از فیصله شدن بحران اروپا که نقشه های او را کاملاً بهم میزد

(۱) دیوک آف آرجیل کتاب قبل الذکر صفحه ۲۶۲

(۲) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۶۳-۲۶۴

در اندیشه بود که مبادا سیاست پیش قدمی از طرف کابینه لغو و ترتیبات او از بین برود حتی ۴۰ روز فاتحه داری را به امیر شیرعلی خان مهلت نداده بروز ۱۰ ستمبر (رمضان) که هنوز امیر از این صدمه طاق فرسا که تمام آرزو ها و نتیجه همه زحمات ۱۳ ساله او را بهم میزد، تسکین نیافته و حتی مدت عزاداری رسمی ختم نشده بود نواب غلام حسین خان بحضور او حاضر شده مطالبه جواب کرد امیر در جواب گفت که من هنوز از فون یسرم تالم دارم شما باید مراعات مصیبت مرا بنمائید من مثل پیش دوست شما میباشم و فکر بدخواهی را ندارم. نماینده روس به اجازه من آمده بود اکنون خود سفیر که (جنرال ستیلانوف) نام داشت پس به مملکت خود رفته و باقی هیئت او همینکه از مستان بگذرد مرخص خواهد شد شما پریشان نباشید آمدن سفارت روس یک امر عادی و برای ابلاغ دوستی بوده است و بس اما با اینکه منم که شما سفیر خود را بزور بر من تحمیل کنید من او را پذیرفته نمیتوانم بگذارید چندی بگذرد و این وضع از بین برود من خود با اجازه آمدن خواهم داد.

این جواب بتاريخ ۱۷ ستمبر (شعبان) به جنرال چمبرلین که در پشاور منتظر رسیدن جواب برای حرکت بود، واصل شد ضمناً که کشتن پشاور بدون مراعات دوستی و نزاکت مسکاتیب شدیداً اللهم چه بنام مستوفی حبیب الله خان صدر اعظم جدید امیر شیر علی خان و هم بنام حکام و قلعه داران عرض راه خیبر و کابل نوشته و از آمدن هیئت انگلیس اطلاع و اشاره کرده بود که هر قسم اقدام مقاومت بمقابل و فدمند کور عمل دشمنانه تلقی خواهد شد (۱) این مسکاتیب امیر شیر علی خان را واقعاً مشتعل ساخت و امر کرد تا وفد انگلیس را از سرحد اجازه عبور ندهند در حالیکه بتاريخ ۱۸ ستمبر مستوفی حبیب الله خان در ضمن مذاکره با نواب غلام حسین خان گفته بود امیر نماینده انگلیس را قبول میکنند تا سوء تفاهم از بین برود بشرطیکه اقدام به تحمیل آن از طرف شما بعمل نیاید و تا زمانیکه موافقه او بطوریکه معمول است حاصل نگردد سفیر موصوف حرکت ننماید و الا ممانعت خواهد شد و نیز وزیر موصوف به انگلیس از نشریات جراتمند هند که نوشته بودند امیر سفیر روس را دعوت کرده است شکایت نموده و در اخیر اظهار کرده بود که یقین دارد یک ملاقات مستقیم بین امیر و نماینده انگلیس که وارد شود، سوء تفاهمات را رفع خواهد نمود بعضی از اعضای هیئت روس بسبب مریضی در کابل مانده اند و بزودی آنها نیز مرخص خواهند گردید، و آنوقت برای آمدن هیئت انگلیس پیغام فرستاده خواهد شد. (۲) درین بین بود که تلگرام ویسرا به جنرال چمبرلین رسید که باید فوری حرکت کند.

دیوک آف آرچیل نیز نظریه دارد که ویسرا (این بار نیز مثل موقع کسفرانس پشاور) فکر جنگ را داشت نه فکر حصول مقصد را از طریق دیپلوماسی پس از این رو تاخیر را جائز نمی شمرد و میترسید که اگر دو هفته دیگر صبر کنند همه بهانه ها از دست خواهد رفت و الا اگر فکر صلح را مباداشت پس این وضع او با این عجله و این شدن

(۱) دیوکس آف آرچیل! قضیه افغانستان صفحه ۲۶۵ -

(۲) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۶۶ -

برای چه بود ؟ و اینکه ویسرا بهانه تراشیده که ( امیر میخواست حرکت هبشت را بطور نامحدود به تعویق بیندازد ) دلیل شده نمیتواند زیرا این فکر امیر که روس ها مرخص و سپس هبشت برطانوی خواسته شود يك امر معقول بوده است و نماینده خود برطانیه همین عقیده را داشت و آن را به ویسرا اطلاع داده و گفته بود که تصور میکنند بعد مرخصی هبشت روس امیر هبشت برطانوی را طاب خواهد کرد (۱)

درینجا باید شمه از اقدامات استلاتوف را نیز شرح بدهیم نماینده موصوف که بدون اطلاع امیر حرکت و باوجود مساعی امیر در سرحد توقف ننکرده و سپس امیر مجبور شد او را با احترام لازمه پذیرائی کنند ( زیرا میدانست که چون با انگلیس هم قطع روابط شده بهم زدن روابط با روس دور از صلاح و صواب میباشد ) در کابل اعتماد نامه خود را بتاريخ ۲۶ جولائی ( اول جمادی الثانی ) یعنی عقارن امضای قرارداد برلین و رفع شدن خطر تصادم روس و انگلیس به امیر تقدیم کرد و ضمناً مسوده قرار دادی را به مواد ذیل نیز به امیر تسلیم نمود .

محمد نبی خان دبیر قرار داد را از حافظه خود چنین شرح میدهد :

- ۱- افغانستان اردوی روس را اجازه بدهد که از بین مملکتش برای حمله بهند عبور کنند ( دوستی دائمی بین مملکتین )
- ۲- افغانستان دولت روس را اجازه بدهد که بمصارف خود خطوط تلگراف در افغانستان تمدید بدهد و حفاظت آن را بدهد بگبرد .
- ( شناختن جانشین امیر و جانشین های ما بعد آن که امیر و جانشین او تعیین کند )
- ۳- افغانستان دولت روس را اجازه بدهد که سه رشته خط آهن از طرف دولت روس در خاک او تمدید یا بد و حفاظت آن را بدهد بگبرد .
- ( در صورت حمله خارجی که امیر ردتواند و امداد بخواهد از راه مشوره و با طریق دیگر با امیر در دفع آن امداد بگردد )
- ۴- افغانستان در جنگ با انگلیز و هجوم برهند با روسیه حصه بگبرد .
- ( امیر بدون مشوره و اجازه روس با دولت خارجی اتلان جنگ نکند )
- ۵- روسیه اسلحه و مصارف نقدی سیاه افغانستان را از آغاز آمادگی تا آخر جنگ بدهد میگیرد .
- ( امیر وعده بدهد که از جریانات مملکت خود بطریق دوستانه به دولت روس اطلاع بدهد )
- ۶- روسیه برای اردوی خود ارزاق و آذوقه از مملکت خود تهیه و خود حمل میکنند .
- ( امیر خواهشهای خود را به کوفمان اطلاع کند و کوفمان در اجرای آن اقدام کند ) .
- ۷- در صورت ضرورت اگر افغانستان از زاق و آذوقه به عسکر روس بدهد در بدل قیمت نقد و خوش برضا خواهد بود .

( در تجارت بین مملکتین تسهیلات فراهم و روس به تجارت افغانی اجازه بدهد تا مفاد خود را در مملکت او جستجو و حفظه کنند )

۸- بعد از فتح هند اراضی وقت احمدشاه و تیمور شاه یعنی پنجاب ، کشمیر ، سند ، پشاور ، بلوچستان ، دیره جات به افغانستان و سرحد بین مملکتین رود آمو خواهد بود و روس به این سرحد غرضدار نخواهد شد (۱)

( امیر ملازمین خود را برای فرا گرفتن فنون به روسیه اعزام میتواند و روس با آنها رفتار احترام کارانه خواهد کرد )

۹- پیاد نیامد .

۱۰- قرارداد از طرف امیر و ستولیتوف ( بنام حکومت روس ) امضاء شود (۲)

این مسودۀ قرارداد دادی که نماینده روس به امیر شیر علی خان پیش کرده و یک شخص با اطلاع به یک نظر فهمیده میتوانند که هیچ يك از مواد این قرارداد جنبۀ عملی نداشته و روسیه به هیچ صورت نمیتوانست وفادار نبود که به هند حمله کنند زیرا از یک طرف روسیه طوریکه دیدیم درین وقت در ترکستان فقط ۱۲ هزار عسکر برای مظهره تهیه کرده و این عسکر نمیتوانست از ورای هزارها میل راه و با عبور از دریاها و کوه ها به مقابل لکها عسکر برطانوی برهند تعرض نماید و آنکهی مواصلات روس در دشت های ترکستان بقدری طولانی و خراب و عقب عسکر او در مقابل نوفتح شده و دچار اضطراب بوده و گذشته از آن کشیدن خط تلگراف و خط آهن در حالیکه روسیه در خاکهای اصلی خود در مجاورت افغانستان هنوز قادر به تاسیس و تمسید آن نشده بود یک امر خیالی بنظر میرسد . و باز فرض مهال اگر عسکر کوچک روس این کار معجزه ما را که تا این دم فوای روس و دولت های مختلف آن به آن جرئت نیافته بودند ، انجام میداد ، آیا در صورتیکه افغانستان در این حالت شده ، رود آمو سرحد قرار می گرفت و پشاور و سند و بلوچستان در بین بصورت یک سد واقع میشدند روسیه از کدام راه برین کشور بزرگ هندوستان حکمرانی مینمودند ؟ در حالیکه قوما بجزری هم مثل انگلیس نداشت که از راه بحر به هند حکمرانی کنند ؟ بنابراین قرارداد مزبور بیش ازین احتیاج به تبصره مفصل نداشته و نظر به تشریحاتی که در فصول بالا نسبت به وضع سیاسی اروپا و مسئله عثمانی و کشیدگی روس و انگلیس داده شده - باید آمدن وفد پیش نهادار و مظاهرات عسکری تاشکند را تماما از قسم منوره های حربی برای حل مسائل اروپا دانست و بیش از آن برای آن کدام ارزش حقیقی طوریکه رجال سیاسی انگلیس چون راولنسن و دیوک آف آرجیل هم نظریه داده اند قائل نشد و چون این اقدام مظهره نمی هم در موقع رسیدن هیئت مزبور به کابل بوا سطة عقد قرار داد برلین و رفع شدن مناقشه ، ارزش خود را

۱- وجود این مسودۀ قرارداد را اکثر موافقین اصلا تصدیق نمیکند و فقط برخی

اران ذکر کرده اند .

(۲) این متن که از حافظه محمد نبی خان دبیر در یک کتاب انگلیس نقل شده

بامتن فوق کاملا مغایرت دارد ولی نشان میدهد که کدام قرار داد اساسی وجود

نداشت و صرف یک مسودۀ ابتدائی ترتیب گردیده بود .

از دست داده بود ، بنابراین نسبت دادن هیچک اهمیتی به آن ولو منوره نمی و نمایشی بوده باشد ، از قیاس بیرون میشود .

اما آمدم به اقدامات و عزائم لاردرلین ؛ البته آمادگی های عسکری در سرحد شمال غربی هند ویل بستن بررود سند تا اندازه زیاد بسته به همین مظاهره منقابه روس یعنی به اثر ایجاب سیاست عمومی امپراطوری انگلستان بوده است مگر درعین زمان فکر پیش قدمی تازه را در سرحدات غربی هند ویش آوردن سرحد را تا کوتل های سوق الجیشی سه گانه شرق افغانستان نیز احتوا میکنند یعنی روی هم رفته تطبیق یک سیاست جدید در غرب هند نیز بیشتر ملحوظ نظر لاردرلین بوده و در زمانیکه عوامل موجب این اقدام او از طرف اروپا یعنی در ریاست عمومی امپراطوری از بین رفت نامبرده به فکر آن افتاد تا ترتیبات خویش را بی نتیجه نگذاشته و اقدام تازه را از نظر سیاسیات هند و شهرت و جاه طلبی شخصی خویش انجام بدهد و از همین رهگذر بود که به شهادت سیاسیون بزرگ انگلیس فساداً کنتفرانس پشاور و سپس سیاست صلح جوئی را در موقع اعزام نماینده به کابل ناکام ساخته و افعالت را طوری ترتیب کرد که به تجاوز به افغانستان و اخراج امیر شیرعلی خان که مانع بزرگ این اقدام یعنی فروش استقلال و تمامیت افغانستان بود منجر گردد و حتی اجراء آن خویش را طوری که دیدیم از مامورین هند و حکومت انگلستان مخفی نگه میداشت ( ۱ ) .

بهر حال قرار امر ویرا جنرال چمبرلین با سرلوی کواویناری « کمئاری مشهور » بتاريخ ۲۱ ستمبر ( آخر رمضان ) بطریق مسجده مواصلت کردند اما مامورین سرحدی امیر با حفظ مراتب احترام ( ۲ ) از داخل شدن شان به سرحد ممانعت بعمل آوردند و این تاریخ هنوز ۵ - ۶ روز قبل از ختم فاتحه رسمی شهزاده عبدالله جان و لمعهد ( که ۴۰ روز میباشد ) بوده است .

بتاریخ ۱۶ اکتوبر ( شوال ) مکاتوب امیر افغانستان را ویرا مواصلت کرده بود که دران از کلمات سخت و خلاف آداب و نزاکت که از طرف کمشنر پشاور بنام وزراء و مامورین سرحدی او اصدار یافته بود شکایت کرده بود . ویرا پس از گذر رفتن این مکاتوب و شنیدن خبر رجعت نماینده خود به لندن تیلیگراف کشید که اکنون به فکر من هرقسم خواهش معذرت بسی فائده بوده و ما را به دشنام جدید و از دست رفتن فرصت مقابل قواعد ساخت - من پیشنهاد میکنم که بصورت فوری اعلان جنگ داده عسکر خویش را بلا فاصله بداخل افغانستان سوق بدهیم ( ۳ ) .

بتاریخ ۱۲۵ اکتوبر ( اخیر شوال ) از لندن جواب رسید « که گمان نمیکند مسئله برداشتن چنین قدمی را ایجاب نماید ( ۴ ) بلکه باید به الفاظ نرم خواهش

( ۱ ) : علل جنگ افغان و دیوک آف آر جیل ، قضیه افغانستان .

( ۲ ) : علل جنگ افغان صفحه ۳۱۲ ( اوراقی که به پارلمان برطانیه پیش شده است ) .

( ۳ ) : دیوک آف آر جیل کتاب قبل الذکر صفحه ۲۶۸ -

( ۴ ) : کتاب قبل الذکر صفحه ۲۶۸ الی ۲۶۹

شود که نسبت به بی احترامی به سفیر برطانیه عذر خواهی کرده و نماینده دائمی را در داخل خاک افغانستان قبول کنند و جواب این مکتوب در فرصت کافی مطالبه

شود ، (۱) .

بتاریخ ۳۱ اکتوبر ( اوائل ذی قعدة ) مضمون اولیتام نوم بنام امیر شیرعلی خان مبنی بر طلب معذرت از بی حرمتی به نماینده انگلیس و قبول فوری نماینده دائمی انگلیس در افغانستان و مصونیت قبائلی که نماینده انگلیس را در سرحد مشایعت کرده بودند و احیاناً تلافی خسارات وارده به ایشان از طرف امیر از طرف کابینه لندن تصویب شد (۲) . این مکتوب بتاریخ ۱۰ نوامبر ( اواسط ذی قعدة ) بسکابل رسیده و مهلت قبول آن فقط ده روز یعنی بتاریخ ۲۰ نوامبر ( اواخر ذی قعدة ) بسر می رسید که به این صورت مهلت مذکور نه تنها برای تفکر در باره همچو یک مسئله اساسی ناکافی بود بلکه برای ارسال جواب نیز این مهلت بادر نظر گرفتن بعد مسافه و وسائل نقلیه آن وقت کفایت نمیکرد (۳) چنانچه وقتی جواب امیر همدست محمد عثمان خان قاجاری باشی به طرف پشاور ارسال شد ، زمانیکه موصوف در دکه رسید عسکر برطانیه بایوره شدن مهلت به حمله شروع کرده بود .

در پایان این همه تفصیلاتیکه به استناد نوشته های سیاسیون انگلیس نسبت به علل جنگ دوم انگلیز و افغان یا بهتر بگوئیم تجاوز ثانی انگلیس به افغانستان ارائه کردیم ، جهت اثبات دلایل بالا ، دو واقعه دیگر نیز ذکر کرده در ختم آن خلاصه نظریه و استنتاج مورخین انگلیس را درج میکنیم و باز به واقعات داخلی افغانستان رجعت مینمائیم :

بتاریخ ۱۴ اگست ۱۸۷۸ ع ( جمادی الثانی ۱۲۹۵ هـ ق ) یعنی مقارن ارسال مطالبه نامه اول و پسرا نسبت به اعزام سفیر نوین به برلین ، بیابهارت دیکر چند روز بعد ازامضای قرار داد برلین ، ( دوگ ریرس ) کفیل وزارت خارجه روسیه به ( یلنکیت ) سفیر انگلیس در روسیه اطلاع داد که احتیاط های سیاسی و حربی نسبت به اعزام عسکر برطانیه به مالتا خانه یافته است و بعد در ۸ ستمبر ( شعبان ) یعنی مقارن اعزام خود سرانه سفیر برطانیه بطرف افغانستان ، کفیل وزیر خارجه روسیه به سفیر انگلیس گفت : وفدی که بسکابل بلاحظه احتمال جنگ با انگلیس اعزام شده بود در اثر فیصله مسالمت کارانه قضایا در کانگرس برلین اکنون شکل یک وفد موقتی و دوستانه را دارا میباشد و علاوه کرد که ارسال هیئت سیاسی به افغانستان در حالیکه روابط روس و انگلیز خوب هم نباشد ، حق مشروع دولت روس بشمار میرود و بتاریخ ۱۰ دسمبر ( ذی حجه ) دیزرائیلی صدراعظم برطانیه در مجلس عوام اظهار کرد که روسیه در رفتار خود حق بجانب میباشد (۴) .

(۱) : کتاب قبل الذکر صفحه ۲۶۸ - ۲۶۹ .

(۲) : کتاب قبل الذکر صفحه ۲۷۰ - ۲۷۲ - (۳) : علل جنگ افغان صفحه ۳۱۲ .

(۴) : علل جنگ افغان صفحه ۳۱۱ -

پس درین صورت آیا علت دادن اولتیماتوم و سپس اعلان جنگ با امیر شیر علیخان چه بوده است ؟ این نظریه را بیانیه دیزرائیلی صدراعظم برطانیه در پارلمان آن مملکت بتاريخ ده دسامبر (ذی حجه) همین سال یعنی ۲۰ روز بعد از تجاوز به افغانستان خوبتر آشکارا میسازد ، نامبرده چنین اظهار کرده بود : « مقصود ما از جنگ با افغانستان ( تصحیح سرحدات بود ) که میخواستیم بجای سرحد عارضی ( اتفاقی ) سرحد ( علمی ) داشته باشیم .

و سپس در ۱۳ فروری ۱۸۷۹ ع ( اخیر ذی حجه ) در موقع افتتاح پارلمان تفصیلات بیشتری داده و اعلان کرد که حکومت اعلیحضرت مسرور است که موضوع مداخله ما در افغانستان تکمیل شده اکنون مالک ( سه شاه راه ) که افغانستان را به هند ربط میدهد میباشد و امید داریم که مملکت ما برای همیشه مالک این راه ها باقی بماند . ما مقصدی را که این لشکر کشی برای آن بعمل آمد تأمین کرده ایم و چنان سرحدی را بدست آورده ایم که امید داریم امپراطوری هند ما را غیر قابل تجاوز خواهد ساخت ( ۱ )

مؤلف کتاب عال جنگ افغان میگوید : « اکنون بالاخره پرده برافتاد . زیرا معلوم شد که نه آمدن سفیر روس بسنگاپول و نه عدم پذیرائی سفیر برطانیه یکی هم علت جنگ نبود بلکه آمدن سفیر روس خیلی اسباب مسرت حکومت انگلیس را فراهم کرد زیرا بهانه اقدام را که جستجو مینمود نمی یافت بدست او داد و مالکی را که هیچ حق تصرف نداشت ( همانطوریکه فرانسه بر بلجیک حق تصرف ندارد و پروس بر هالند ) با تر دستی ، خیانت و بازی دو جانبه مورد تجاوز قرار داد ( ۲ )

دیوک آف آر جیل ویرا وزیر سابق هند در تلمه کتاب خود موسوم به قضیه افغانستان مینویسد : « من اعتراف میکنم که این سطور را بدون تأثر و درقت اظهار کرده نمیتوانم ، اینها در نظر من از جهت مثبت و نسبتاً گفتمانی و اعمالی است که بر مملکت ما نفرت غیر قابل توجیهی را وارد کرده است . تا ریخ دنیا از اعلامیه ها و اظهاریه های حکومات و پادشاهان مقتدر که علل و اسباب اند اعمال قوه خود را زیر پرده نگره دارند و به بهانه قابل قبولی به مقابل حکومات ضعیف تر متوسل شوند مملو میباشد اما شک دارم که در فهرست هیچ اعلامیه های دول یک نسخه هم نسبت به اولتیماتومی که از طرف کابینه ملکه بنام امیر شیر علیخان صادر شد ، دارای آنها نیست تا جائز تر ، و الزامات بی اساس تر وجود داشته باشد .

این اوراق را هر انگلیس که شرف مملکت خود را اندازد کرده میتواند جز با حس خجالت خوانده نمیتواند » ( ۳ )

( باقی دارد ) سید قاسم رشتیا

( ۱ ) کتاب قبل الذکر صفحه ۳۱۳ - ۳۱۸ .

( ۲ ) کتاب قبل الذکر صفحه ۳۱۳ - ۳۱۸ .

( ۳ ) دیوک آف آر جیل ، قضیه افغانستان صفحه ۲۷۴ - ۲۷۶ -